

خلاصه ترجمه فارسی مقالات خارجی

- اسنادی در باره چگونگی توزیع چند ویژگی فرهنگی در منطقه " زاگرس مرکزی " (۲)
 - آلاچیق و کومه : چادرهای نمدی آذربایجان
 - تحلیلی فرهنگی از ترانه های بویراحمدی
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي مرکز

اسنادی درباره چگونگی توزیع چند ویژگی فرهنگی در منطقه « زاگرس مرکزی » (۲)

اثر مشترک: ژان پیردیگار و اصغر کریمی

ترجمه و تلخیص: هوشنگ پورنژدیم

این دومین بخش از سلسله انتشاراتی است که به نقشه‌های مردم‌نگاری از "زاگرس مرکزی" اختصاص دارد و بدنبال نخستین بخش آن که حاوی بازده نقشه بود انتشار می‌یابد. بخش حاضر حاوی ۹ نقشه است. اولین نقشه با شماره صفر و بقیه نقشه‌ها بدنبال شماره‌هایی که در بخش اول برای نقشه‌های آن بخش داشتیم از ۱ تا ۹ شماره‌گذاری شده است. در این نوشته سعی می‌شود که به منظور درک نقشه‌ها، همه عناصر ضرور برای هر یک از ویژگیهای فرهنگی مطالعه شده ارائه و تشریح شوند.

توضیح علائم اساسی نقشه‌ها:

بمنظور پرهیز از گنجاندن خطوط و علائم اضافی در زمینه مشترک نقشه‌ها، فقط به ترسیم علائمی اکتفا کرده‌ایم که در نشانه‌یابی محل‌ها بکار می‌آیند مثل (شهرها، قلعه‌ها، جریانهای آب و غیره) و با بحث‌های عاملی در توزیع جغرافیایی ویژگی‌های فرهنگی مطالعه شده موثرند (تغییر ارتفاعات، خطوط مبادلاتی، دره‌ها و غیره):

— جریان آب

▲ قله با ارتفاع بیشتر از ۴۰۰۰ متر

△ قله با ارتفاع بیش از ۳۰۰۰ متر

---- منحنی ارتفاعات تا ۲۰۰۰ متر

..... منحنی ارتفاعات تا ۱۰۰۰ متر (با طرح ساده)

● شهر بزرگ

□ شهر کوچک، مرکز شهری با اهمیت صرفاً " ناحیه‌ای

○ ده دارای اهمیت تجاری

— راههای عمده

▬▬▬ حدود و ثغور اراضی طوایف عمده (به نقشه صفر مراجعه شود)

▬▬▬ حد و مرز بین نواحی سردسیر و گرمسیر کوچندگان

علاوه بر علائم فوق، بمنظور آسان کردن نشانه‌یابی نقشه‌ها، پنج نام نیز که به بزرگترین رودخانه‌ها و

* — در این ترجمه و تلخیص به نقشه‌هایی اشاره می‌شود که ضمیمه متن فرانسه در همین نشریه بجاپ رسیده است

۱- بخش اول این سلسله انتشارات با متن فرانسه و ترجمه و تلخیص فارسی آن در شماره اول " مجله مردم‌شناسی

و فرهنگ عامه ایران "، تابستان ۱۳۵۳، چاپ شده است.

وبلندترین قله و دوشهر عمده منطقه نقشه‌نگاری شده مربوطند در زمینه مشترک همه نقشه‌ها قید شده است .

نقشه صفر، محل‌های گواه^۲ تحقیق شده :

محل‌های گواه بر اساس ملاک و معیارهایی انتخاب شده‌اند که بتوان با آنها به تعیین شبکه‌ی حتی المقدور همگون و منظم در منطقه نقشه‌نگاری شده توفیق یافت. در هر یک از این محل‌ها، بررسی با کمک پرسشنامه به یکی از دو صورت زیر انجام گرفت: یا بصورت "بررسی مستقیم کامل" (حاوی همه مسائل پرسشنامه) که در این صورت آن محل در نقشه با علامت چهارگوشه سیاه معین شد، یا بصورت "بررسی مستقیم جزئی" (حاوی فقط بخشی از مسائل پرسشنامه) که در صورت اخیر محل مورد بررسی با علامت چهارگوشه سفید ترسیم شد. علاوه بر اینها، چند محل گواه که امکان حضور در آن و یا امکان اقامت کافی در آن وجود نداشته ولی مورد "بررسی غیر مستقیم و جزئی" قرار گرفته است با دایره سفید علامت‌گذاری شد. اطلاعات درباره بعضی از محل‌های اخیر بکمک ساکنان‌شان که ضمن سفر خود با ما برخورد کرده‌اند بدست آمده است. این کمک‌ها مخصوصاً "در باره آن محل‌هایی چشمگیر است که مردم آن در شرایط کوچندگی بسر می‌برند و ضمن سفر بقصد تدارک آذوقه خود از مراکز داد و ستد (مسجد سلیمان، لالی، ایزه درگرمسیر، چلگرت، اردل، و غیره در سردسیر) با ما برخورد کرده‌اند .

نقشه ۱۲، متوسط رسوبات سالانه :

این نقشه که آرا از " Climatic Atlas of Iran"^۳ اقتباس کرده‌ایم، نشان می‌دهد که منطقه زاگرس مرکزی، پس از منطقه البرز، نسبت به مناطق دیگر ایران، بیشترین مقدار بارندگی را دارد و متوسط رسوبات سالانه آن به ۱۰۰۰ میلیمتر میرسد .

نقشه ۱۳، انواع رستنی‌ها :

با استفاده از "نقشه رستنی‌های طبیعی ایران"^۴ و دریافت خودمان، سعی کردیم که عمده‌ترین انواع رستنی‌های منطقه را به نحوی در این نقشه ترسیم کنیم که تصور چشم‌اندازهای منطقه ممکن شود :

- ۱- جمن و مراتع کوهستانی
- ۲- جنگل‌های بلوط و پیسته کوهی و نظایر آن
- ۳- جنگل ضایع شده با رستنی‌های بوته‌ی کاملاً "تُنک" (بلوط‌های منزوی، بوته‌ها) و در حال تنزل و تبدیل شدن به جلگه با گیاهانی نظیر برنجاسف کوهی^۵ و خاراکوش^۶
- ۴- جلگه داخلی با گیاهانی نظیر برنجاسف و خاراکوش و گون کتیرائی .
- ۵- جلگه ریز حاره‌ی با گیاهانی نظیر کهور، جنجغه، سدر یا کنار و نخل‌های منزوی .
- ۶- زمین‌های شور با رستنی‌های halophile^۷

۲- در برابر " lieux témoins "

۳ و ۴- از انتشارات دانشگاه تهران

۵- گیاهی از تیره مرکبان که ارتفاعش ممکن است به ۱/۵ متر برسد و ساقه برافراشته و مستقیم دارد .

۶- گیاهی از تیره مرکبان با نیم متر ارتفاع که گل‌های زرد رنگ آن در آخر تابستان ظاهر می‌شود .

۷- گیاهانی که مستعد شوره زارها هستند .

۷- زمین‌های شنسی و ریگزار (توده‌های شن که بوسیله باد جا جا می شوند) با رستنی‌های

^A psammophil

نقشه ۱۴، زبان عربی :

غیر از برخی نواحی و ناحیه لرنشین منطقه (۹) ، زبان عربی بمثابه زبان مادری اشاعه دارد که ما - آن را در نقشه با حرف A مجزا کرده ایم .

این زبان ، علیرغم جمعیت کم یا بیش متراکم در ناحیه ، بحد کافی یکدست است و فقط در شهرهای شوشتر و دزفول ، بلافاصله با زبان‌های ایرانی مجاورت پیدا می‌کند . اما این زبان ضمناً " به سمت شرق و به داخل ناحیه لرنشین گسترش می‌یابد و بالری همزیستی می‌کند . این همزیستی را می‌توان بشکل زیر توضیح داد :

در ناحیه بختیاری که آن را در نقشه با حرف B متمایز کرده ایم ، چندین گروه (در حدود پانصد خانواده در مجموع ؟) زبان مادری‌شان عربی است و بختیاری‌ها آنها را به نام "عرب - کمری" یعنی " عربهای کوهی " می‌شناسند ، و با این نامگذاری ، آنها را هم از عربهای خوزستان و هم از بختیاری‌ها متمایز میکنند .

در نقشه ، ناحیه " عرب - کمری " ها را با حرف AK مشخص کرده ایم . مقطع اجتماعی - فرهنگی " عرب - کمری " ها نیز این نامگذاری را که معرف مشخصات دوگانه آنهاست توجیه می‌کند . چنانکه غالب آنها دو زبان‌اند (عربی / لری) و زنان‌شان جامه‌های عربی و مردان‌شان جامه‌های بختیاری می‌پوشند . آنها همچنین دو سازمان اداری طایفه‌بی دارند : یکی ، سازمان طایفه‌های " کنگلیز " و " علی‌بک " که هر یک رئیس مخصوصی دارد ، دیگر ، سازمان ایل بختیاری که ضمناً شامل دو طایفه فوق نیز می‌شود . خانوارهای این دو صایفه در سه بخش " دورکی " و " بابادی " و " بهداروند " ایل بختیاری و بین سه رئیس مربوطه آنها توزیع شده اند و در صورت تصادم ایل باخارج ، به پشتیبانی از ایل ، عکس‌العمل نشان میدهند .

مناسبات "عرب - کمری" و "بختیاری" بین دو تعریف "تابعیت" و "اتحاد" در نوسان است . مظاهر " تابعیت " از تحت‌الحمايه بودن "عرب - کمری" ها نسبت به "بختیاری" ها مشهود است ، و مظاهر " اتحاد " را می‌توان از جمله در مناسبات خویشاوندی که بین روسای خانواده‌های "عرب - کمری" و "بختیاری" وجود دارد دید که بر اساس آن بهم زن می‌دهند و از هم زن می‌گیرند ، تبیین و تحلیل عمیق این مشارکت زندگی و جریان تاریخی آن را هنوز انجام نداده ایم .

نقشه ۱۵ ، مراکز عمده گرمسیر و سردسیر و محورهای رفت و آمد کوچندگان :

راه کوچ‌ها یا به اصطلاح لری "رو - رو" ها می‌کند که در نقشه مشخص شده اند ، معا بری هستند برای اشخاص به مقصد قرارگاه‌ها (جاوارگه - javārga) و منزلگاه‌ها و نیز روستاها ، در حالیکه گله‌های کوچندگان می‌توانند از معا بر دیگری بگذرند و در منزلگاه‌های دیگری اطراق کنند (مربوط به نقشه ۱۶) . طوایف و تیره‌هایی که از این نظر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در نقشه ۱۵ شماره آنها به ازای اسم قید شده است به این شرح اند :

۸- گیاهانی که می‌توانند در ریگزارها برویند .

۹- باید یادآوری کرد که در اینجا تنظیم کنندگان این نمودار ، قصد تنظیم دقیق شبکه سازمانی ایل بختیاری را نداشته‌اند ، بلکه صرفاً "وضع بستگی سازمانی تیره‌هایی را که از نظر نقشه ۱۵ مورد مطالعه آنان قرار گرفته است ترسیم کرده‌اند . م .

zarâsvand	زراسوند	dureki	دورکی	haft-lang	هفت لنگ (در نقشه شماره ۱۵ طوایف و تیره‌های مربوط به "هفت لنگ" با شماره‌های مربوطه شان در علامت دایره‌شان داده شده‌اند).	baxtyâri				
gand-'ali	گند علی									
mowri	موری									
osivand	اوسی‌وند									
bâmadi	بامدی									
astereki-câr-buri	استرکی-چاربوری (سوهونی (هموله))									
sohoni (hamule)										
bâbâdi 'ali-anvar	بابادی علی انور						bâbâdi	بابادی	čâr-lang	چهار لنگ (شماره‌های مربوط به تیره‌های چارلنگ با علامت مربع نشان داده شده‌اند)
bâbâdi akkâše	بابادی اکاشه									
röki	رؤکی									
modmoli	مدلمولی									
šehni	شهنی									
madmolil	مدمولیل									
gomar-nasir	گومر نسیر									
pepdini	پپدینی									
galle	گله									
behdârvand (monjesi)	بهداروند (منجری)									
dinaroni	دینارونی									
jâneki	جانکی									
mamivand	ممی‌وند									
mamsale	ممساله									
mogu'i	موگویی									
kyânersi	کیانرسی									

این تیره‌ها غالباً دو قرارگاه دارند، یکی در ناحیه سردسیر (بیلاق) که آن ناحیه در نقشه با حرف e و دیگری در ناحیه گرمسیر که با حرف h مشخص شده‌اند. برخی از این تیره‌ها که منحصرأ یک قرارگاه دارند، اعم از اینکه قرارگاهشان در سردسیر باشد (نظیر تیره‌های ۱۹ و ۲۲) یا در گرمسیر (نظیر تیره ۲۳)، تیره‌هایی اسکان یافته‌اند که در نقشه با علامت مثلثی روی دایره یا مربع مشخص شده‌اند. . . .

در این نقشه چنین بنظر می‌رسد که فواصلی که بین مراکز ناحیه سردسیر و ناحیه گرمسیر غالب تیره‌ها تا خط مرکزی این دو ناحیه وجود دارد به نحو محسوسی باهم برابرند. به زبان دیگر، قرارگاه‌های گرمسیری و سردسیری تیره‌های مختلف نسبت به این خط مرزی بصورت قرینه و به این ترتیب توزیع شده‌اند که قرارگاه هر تیره‌ای که در سردسیر به خط مرزی بین دو ناحیه نزدیک با دور باشد، در گرمسیر نیز به این خط نزدیک یا دور است.

بنابراین، فاصله‌ئی که هریک از تیره‌ها باید در دو کوچ سالانه خود بین فرارگاههای گرمسیری و سردسیری طی کنند باهم اختلاف قابل ملاحظه‌ای دارد (مثلا تیره شماره ۳ در مقایسه با تیره شماره ۱۶ فاصله بسیار کوتاهی را در کوچ طی می‌کند. م). کوچ برای صعود به سردسیر معمولاً "از اواخر اسفند تا اوایل خرداد و برای فرود به گرمسیر از دهم شهریور تا هشتم آبان ادامه دارد. پیداست که کوچ از سردسیر به گرمسیر بمناسبت آنکه در آخر تابستان انجام میگیرد سریع تر است، زیرا در این فصل که علوفه و آب لازم کمتر پیدا می‌شود، توقف در منزلگاههای بین راه نیز محدودتر است. برای "موری - Mowri" ها (تیره شماره ۳)، که اراضی سردسیری و گرمسیری آنها بهم نزدیک است، فقط ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر راه کوچ وجود دارد که آن را در چند روز طی می‌کنند. در حالیکه تیره "هموله - Hamule" (شماره ۷) برای هر کوچ باید ۲۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر فاصله را طی کند که در بهار یعنی وقت صعود به سردسیر بین ۳۵ تا ۴۵ روز و در پاییز یعنی وقت فرود به گرمسیر در حدود ۲۵ روز طول می‌کشد. دومین نتیجه این خصوصیت توزیع تیره‌ها برای هریک از آنها، طی تمام مرحله کوچ، رعایت الزامی موقعیت اراضی تیره‌های دیگر است (باتوجه به همه خطراتی که در برخورد با وجود می‌آید)، و به نوبه خود، آگاه شدن از وضع عبور تیره‌هایی که از اراضی خود آنان می‌گذرند و ممکن است خساراتی برای مراتع و زراعت‌ها ببارنیاورند. مسئله دیگری که برای کوچندگان مطرح است، عبور از ارتفاعات زاگرس، خصوصاً زردکوه (۴۵۴۷ متر ارتفاع) است که هر سال دو بار اتفاق می‌افتد. نام گذرگاههایی که در نقشه (۱۵) به ازای نامشان با حروف زیر - نشانه گذاری شده اند به این شرح است:

a	taksoni	تکسونی
b	gallegâ	گله‌گا
c	timbi/keynow	تیمبی/کی‌نو
d	tiz	تیز
e	pambekâl	پمبکال
f	monâr	منار
g	Il-e vak	ایل‌وک (در بهار مسدود است)
h	zarda	زرده
i	kolonci	کولونچی (در بهار مسدود است)
j	carri	چری
k	qorâw	قورا
l	desbâr	دسبار
m	šâlu	شالو

محدود بودن این گذرگاهها که در نزدیکی خط مرزی بین ناحیه سردسیری و ناحیه گرمسیری قرار دارند موجب فشردگی کوچ شده است. گذرگاههای زردکوه راکتل‌ها و گردنه‌هایی که بیش از ۲۵۰۰ متر ارتفاع دارند تشکیل می‌دهند. در مورد نقاط g و h این ارتفاع حتی به ۴۰۰۰ متر هم می‌رسد. همه این گذرگاهها از آبان تا اسفند از برف پوشیده و بسته می‌شود و برخی دیگر از آنها (d و g و i) فقط در اوائل پاییز استفاده می‌شوند. در مورد گذار از نهرها و رودخانه‌هایی که در اعماق بریدگیهای کوهستانی و حصاره‌های سطح جریان دارند، هر گذرگاهی را بنابراینکه تاجه مقدار بتواند عبور از رودخانه را تسهیل کند انتخاب می‌کنند. این گذرگاهها عبارتند از گذارهایی که عبور از آنها در پاییز بدون وسائل یا شنا ممکن است و در بهار یا با شنا صورت می‌گیرد و یا وسیله کلک (بستری از

بی وشاحه‌های درخت که بر تعدادی مشک‌های پرباد می‌بندند و از آن بحث‌به‌فایق استفاده می‌کنند). در تمام طول گذار، فقط از یک پل منحصر (واقع در گذرگاه m) استفاده می‌شود. بدیهی است که همه این نقاط، در مواقع کوچ، با تراکم مردم واحشام، شلوف می‌شود. کمترین اشتباهی در تقویم و انتخاب موقع کوچ و پیدایش بی‌نظمی در گروه، می‌تواند به همه کوچندگان صدمه بزند و مضایقی از نظر تنگی جا در گذرگاه‌ها و فشرده‌گی برای عابران ایجاد کند و موجب بهره‌برداری بیش از معمول از برخی چراگاه‌ها شود که بنوبه خود به صدمات پیش‌بینی نشده احشام و نیز به صدمات انسانی منتهی می‌گردد. همه این مسائل مربوط به سازمان و ملزومات عینی کوچ نمی‌تواند در سازمان اجتماعی و سیاسی کوچندگان انعکاس نداشته باشد.

نقشه ۱۶، مدار حرکت گله‌های گوسفند :

این نقشه با تکیه به اطلاعات کاملتر از تیره‌های شماره ۱۷ و ۱۸ ترسیم شده و امکان مقایسه جابجاشدن اردوگاه‌ها و گله‌های گوسفند مربوط به آنها را میدهد (خاطر نشان کنیم که گوسفندداری، چه از نظر تعداد و چه از نظر اهمیت اقتصادی، عمده‌ترین فعالیت دام‌پروری بختیاری‌هاست). همانطور که دیدیم، اردوگاه‌های کوچندگان در پاییز و بهار جابجا می‌شود (که مسیر این جابجایی در مورد سه تیره مورد نظر در نقشه ۱۶ بصورت نقطه چین خاکستری نشان داده شده است). این جابجایی بین یک قرارگاه گرمسیری و یک قرارگاه سردسیری که چند ماه را در آنجا بسر می‌برند صورت می‌گیرد و ما برای آن اصطلاح "مدار کوچندگی" (یا نیمه کوچندگی) (۱۵) را پیشنهاد می‌کنیم. این مدار دارای دو قرارگاه و دو جابجایی در اعتدال ربیعی و اعتدال خریفی است. در حالت گله‌های مربوط به کوچندگان، افزوده بر آن، سه توقفگاه و دو جابجایی دیگر نیز دارد (مسیر جابجایی مخصوص گله‌ها را در نقشه ۱۶ بصورت کاملاً سیاه نشان داده‌ایم). بعد از کوچ به سردسیر، گله‌ها را بمنظور آنکه دوشیده و پشم‌چینی شوند، تا آخر بهار در حوالی اردوگاه‌های بیلانی کوچندگان می‌چرانند. این ناحیه را در نقشه ۱۶ با حرف p متمایز کرده‌ایم. بعد، وقتی که شیردوشی از بز و میش‌ها پایان برسد و بره‌ها نیز از شیر بی‌نیاز و صرفاً "غلف‌خور" شوند، گله‌بز و میش و گله‌بره‌ها را ادغام می‌کنند و آنها را برای تمام مدت تابستان در مراتع بیلانی مرتفع‌تر می‌چرانند. موقعیت مراتع اخیر را در نقشه با حرف e نشان داده‌ایم. پس از مراجعت کوچندگان به گرمسیر، و استقرار در قرارگاه‌های زمستانی خود، گله‌ها در دوماه اول پاییز در مراتع واقع در ارتفاعات (ناحیه g) چرانده می‌شوند. پس از آن، همچنان تحت مراقبت چوپانان، گله‌ها به مراتع واقع در جلگه، یعنی به گرمسیر، هدایت می‌شوند که ممکن است این مراتع گاهی خارج از منطقه بختیاری باشد (چنانکه گله‌های مربوط به تیره ۸ در ناحیه a در چنین موقعیتی است). بنابراین، گله‌ها سومین ماه پاییز و اوائل زمستان را در نواحی پست جلگه‌ای می‌گذرانند که در نقشه با علامت $(a+h)$ مشخص شده است. پذیرفتن گله‌ها در وقت زایمان، در قرارگاه‌های زمستانه، که در ناحیه (h) قرار دارند، اواسط زمستان اتفاق می‌افتد. می‌توان گفت که در مورد گله‌ها باد و جابجایی واقعی، افزوده بر مدار اصلی کوچندگی، مواجه هستیم، یکی جابجایی مستقیم تابستانه بسمت ارتفاعات و یکی دیگر، برخلاف آن، جابجایی زمستانه بسمت جلگه‌های پست که همواره تحت مراقبت چوپانان صورت می‌پذیرد.

۱۰- در برابر "cycle de nomadisme" (ou de semi-nomadisme)

نقشه ۱۷، پراکندگی ومدار حرکت گاومیشها :

در سراسر خوزستان و در جنوب غربی ناحیه بختیاری، گاومیش داری معمول است. باید خاطر نشان شود که در اینجا حدود و ثغور گاومیش داری محدود و نفوذی که زبان مری در آن اشاعه دارد (نقشه ۱۴ ملاحظه شود) تطبیق پیدا می کند. در بین بختیارپها، گاومیش داری را باید از اختصاصات زندگی گروههای "عرب- کمری" دانست. گاومیش داری اساساً "بصورت نوعی دامپروری اسکان یافته رواج دارد که در عین حال دارای دو قانون جابجایی تابستانه در ارتفاعات ۲۵۰۰ متری است.

تا آغاز قرن حاضر، مسیر شمالی این جابجایی تا سرچشمه های زاینده رود پیش میرفت، از آنجا، گاومیشها را به "فریدن" و "چهار محال" می بردند و به روستائیان ارمنی می فروختند که از آنها در شخم اراضی بمنظور تأمین نیروی کشش خیش استفاده می کردند. بعدها، با مهاجرت بخش اعظم این گروه از ارمنه به "اتحاد شوروی" جریان فوق متروک و به توقف در بیلاق محدود شد...

نقشه ۱۸، پراکندگی ومدار حرکت شترها :

شتر داری در منطقه نقشه نگاری شده به حد کافی اشاعه دارد و دارای نواحی کم و بیش تمرکز یافته ای در سمت شرقی ناحیه بختیاری است که اجتماعات متعدد و متفرق ترک زبان نیز در همان سمت وجود دارد (واجب بود که ما برای این اجتماعات نقشه ای ترسیم می کردیم که البته مستلزم شناسائی همه محل های آنها بود، امری که اجرای آن در این مرحله از مطالعات برای ما مقدور نیست). بختیاری ها خودشان هرگز شتر داری نمی کنند، ولی در منطقه آنان، کم و بیش منظماً "با ربه های شتر تلاقی می کنیم که متعلق به گروههای پراکنده ترک زبان زیر است :

— نیمه کوچ نشینان "لرکی - laraki" (نقشه ۱۸ علامت ۱) که هر سال دو دفعه جابجا میشوند و برای این جابجایی بین مرکز بیلاقی خود در حوالی "گندمان" و قرارگاه گرمسیری در حوالی "هفت کل" و "رام هرمز" از اراضی بختیاری ها می گذرند...

— روستائیان "چال شتر" (نقشه ۱۸ علامت ۲) که شترهاشان را زمستانها تحت مراقبت چند شتربان به حوالی "نفت سفید" می فرستند.

— روستائیان "ریز" و "غلام خست" (نقشه ۱۸ علامت ۳) که شترهاشان را با همراهی همه افراد خانواده در مدار بزرگی کوچ می دهند. آنها ضمن این کوچ، اوائل تابستان را در مراتع "زردکوه" می مانند و سپس، پیش از مراجعت دادن شترها به نقطه مزیمت زمستانه خود، مدتی را هم در فارس بسر می برند. از ۱۹۲۵، چند خانواده اهل "غلام خست"، این مدار کوچندگی را بمنظور اطراق زمستانه در "لالی" ترک کرده اند.

— خود قشقایی ها، که پس از خشکسالی وخیم ۱۹۲۲، شترهاشان را زمستانها به حوالی "هفت کل" واقع در منطقه بختیاری ها می فرستند.

بنابراین، بنظر می رسد که طی چند سال اخیر، تغییرات محسوسی در کوچندگی های ساربانان "زاگرس مرکزی" بوجود آمده باشد، هرچند که هنوز نمی توان درباره علل اساسی این تغییرات و کمتر از آن در باره دوام و بقای این پدیده اظهار نظر کرد.

نقشه ۱۹، آلونک های شبانی :

در منطقه مورد نظر دو نوع آلونک دیده می شود. نوع اول (که آنرا در بختیاری "لوکه" lawka و در لرستان "کوله" kula می نامند) بصورت یک متوازی السطوح متشکل از اسکلت چوبی با پوششی از شاخه و

برگهاست که سقف را باشیبی در جانب شرقی می‌پوشاند و در جوانب دیگر بانی پوشیده میشود. نوع دیگر (که در بختیاری "کیر- kapar" نامیده می‌شود) متشکل از سقف دو شیبه‌ئی است با پوشش نی و مستقر روی یک دیواره، در ناحیه‌ئی که این هر دو نوع وجود دارند، نوع اول بصورت پناهگاه کوچک تابستانی مناسب اطراق کنندگان منفرد است، در حالیکه نوع دوم منحصر "زمستانی بوده و برخی از کوچندگان این نوع را به سیاه چادر^۱ ترجیح می‌دهند، زیرا که در مقابل سرما و باران موثر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- سیاه چادر را "بهون bohon" می‌نامند، مراجعه شود به نقشه ۶ در بخش اول، منتشره در شماره ۱۰ اول همین مجله.